

بسمه تعالی

قلمرو دین

(از منظر علامه طباطبائی)

مؤلف:

رسول رضاپور

انتشارات ارسطو

(چاپ و نشر ایران)

۱۳۹۸

سرشناسه: رضاپور، رسول، ۱۳۶۲

عنوان و نام پدیدآور: قلمرو دین (از منظر علامه طباطبایی)، رضاپور، رسول، مولف، ۱۳۶۲

مشخصات نشر: تهران: ارسطو، ۱۳۹۸.

مشخصات ظاهری: ۱۷۲ ص؛ ۲۴ × ۱۷ س.م.

وضعیت فهرست نویسی: فیپای مختصر

یادداشت: این مدرک در آدرس <http://opac.nlai.ir> قابل دسترسی است.

شماره کتابشناسی ملی: ۳۷۶۴۷۲۳

نام کتاب: قلمرو دین (از منظر علامه طباطبایی)

مولف: رسول رضاپور

ناشر: ارسطو (با همکاری سامانه اطلاع رسانی چاپ و نشر ایران)

صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۸

چاپ: مدیران

قیمت: ۲۵۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۳۲-۳۳۳-۸

تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵

www.chaponashr.ir



فهرست مطالب

شماره صفحه	عناوین
۷	پیشگفتار
۹	مقدمه
۱۵	فصل اول: مفهوم دین
۱۷	معنای لغوی دین
۱۸	تعریف اصطلاحی دین
۲۰	۱- مشکلات تعریف دین
۲۱	۱-۱- فرق شریعت و دین
۲۴	۲-۱- خلط بین دین و ایمان؛ دین و تدین
۲۵	۳-۱- نقش پیش فرضها در تعریف دین
۲۶	۴-۱- تحریف و تغییر در ادیان
۲۷	۲- تعاریفی از اندیشمندان در مورد دین
۲۹	۱-۲- تعاریف ذاتی دین
۳۰	۲-۲- تعاریف کارگرد گرایانه
۳۰	۱-۲-۲- تعاریف های جامعه شناختی
۳۱	۲-۲-۲- تعاریف های غایت گرایانه
۳۲	۳-۲-۲- تعاریف های اخلاق گرایانه دین
۳۴	۳- تعاریف اندیشمندان مسلمان معاصر در مورد دین
۳۷	تحلیل دیدگاه علامه طباطبایی در مورد دین

نتیجه گیری	۴۶
یک: توجه به ابعاد روحانی و جسمانی انسان	۴۶
دو: نیاز فطری بشر به قانون برای نظم اجتماعی	۴۶
سه: نقص قانون بشری برای پاسخگویی به نیازهای دنیوی بشر	۴۷
چهار: خالق انسان واضع قوانین هدایت بشر	۴۷
فصل دوم: نیاز بشر به دین	۴۸
۱- دین رفع کننده اختلافات بشر	۵۱
۱-۱ پیدایش اختلاف در جوامع بشری	۵۱
۱-۲ نیازمندی بشر به قانون	۵۳
۱-۳ نیازمندی به قانون دینی	۵۸
۲- دین مشخص کننده اعتقاد انسان به هستی	۷۲
۱-۲ حرکت به سوی او	۷۶
۲-۲ جلب رضایت خدای دلبخواهی	۷۷
۲-۳ جامعه بی خدا	۷۸
۳- دین نشأت گرفته از فطرت انسانی	۷۹
۴- دین و تامین سعادت دنیوی	۸۵
۵- دین و تامین سعادت اخروی	۸۹
نتیجه گیری	۹۲
فصل سوم: قلمرو دین	۹۴
دیدگاه‌های حاکم بر غرب پیرامون قلمرو دین	۹۵
سکولاریسم	۹۶
۱- متعارض انگاری دین و دنیا	۹۷
۲- نارسایی مفاهیم کلیسایی در مورد خدا و مابعد الطبیعه	۹۸
لیبرالیسم	۹۹

زمینه‌ها و عوامل پیدایش لیبرالیسم	۱۰۰
دیدگاه علامه طباطبایی و مداخله‌ی اسلام در همه شئون بشر	۱۰۳
دیدگاه علامه طباطبایی در توأم بودن شئون دنیوی و اخروی زندگی بشر	۱۱۰
دیدگاه علامه طباطبایی در پیوند دین و سیاست در اسلام	۱۱۴
تعریف دیدگاه حداقلی و حداکثری	۱۳۶
۱- بررسی موضوعات و مسایل دین	۱۳۷
۱-۱- تحریف ادیان	۱۳۸
۱-۱-۱- اهتمام مسلمین	۱۳۹
۱-۱-۲- تواتر قرآن	۱۴۰
۱-۱-۳- معجزه بودن قرآن	۱۴۱
۲-۱- عدم تطبیق قوانین دین با نیازهای جوامع	۱۴۲
دلیل دیگر	۱۴۶
۲- بررسی اهداف انبیا	۱۴۷
۱-۲- هدایت بشری در زمینه خداشناسی	۱۴۸
۲-۲- داوری در اختلاف و نزاع‌ها برای تحقق یافتن امنیت در جامعه‌ی بشری	۱۴۹
۳-۲- برپایی قسط و عدالت در جامعه انسانی	۱۵۱
۴-۲- تعلیم کتاب و حکمت الهی به بشر و تزکیه نفوس و تعدیل غرایز	۱۵۲
سخن آخر	۱۵۶
منابع و ماخذ	۱۶۹

پیشگفتار

انسان از اول خلقت با دین زندگی کرده و ادامه حیات ابناء بشر با دین همراه است. پیامبران هدایتگران انسان به مسیر سعادت اند و دستورات الهی را در مجموعه‌ای به نام دین به انسان عرضه داشته‌اند. پیامبران با توجه به شرایط اجتماعی و سیاسی حاکم بر جامعه خود، گاه دخالت حداقلی و گاه حداکثری در امور مردم داشته‌اند. از مباحثی که در چند قرن اخیر مطرح شده این است که حوزه دخالت دین کجاست؟ آیا دین تنها به امور اخروی انسان باید پردازد و یا حق دخالت در امور دنیوی را نیز دارد و در صورت دوم میزان دخالت دین در زندگی بشر چقدر است. در این کتاب دیدگاه علامه طباطبایی در این موضوعات بررسی شده است از آنجا که قلمرو دین بستگی به تلقی و تعریف هر شخصی از دین دارد، ابتدا نظر علامه طباطبایی را در تعریف دین بررسی کرده سپس منشا نیاز بشر به دین را از نگاه ایشان آورده و با توجه به مبانی قرآنی و فلسفی وی نظر ایشان را در باب قلمرو دین نشان داده ایم. هر اندیشمندی با پیش فرض‌های ذهنی خود در صدد تعریف دین است و با دانسته‌های قبلی خود دین را تعریف می‌کند و لذا دین را به صورت جامعه‌شناختی و غایت‌گرایانه و اخلاق‌گرایانه و... تعریف کرده‌اند علامه طباطبایی بر اساس انسان‌شناسی دینی و فلسفی اش دین را به گونه‌ای تعریف کرده که قلمرواش امور دنیوی و اخروی انسان را شامل

می شود.

به نظر علامه طباطبایی بشر برای رفع نیازهای مادی و معنوی خود به دین و قانون دینی نیازمند می باشد دین مشخص کننده اعتقاد انسان به هستی است، هدایت و شکوفایی استعدادهای فطری بشر، تامین سعادت اخروی و دنیوی از دیگر کارکردهای دین هستند به نظر می رسد که از نظر علامه دین را به هیچ حوزه خاصی نمی توان محدود کرد و محدوده دخالت دین در زندگی بشر را باید از خود دین پرسید.

مقدمه

رابطه انسان با خدا در مجموعه قوانینی تنظیم شده که نام دین بر آن نهاده شده است قلمرو و محدوده دین حدود و صغور دین را مشخص و حوزه‌های دخالت دین را تعریف و نحوه ورود و دخالت در هر حوزه را تبیین می‌کند.

قلمرو دین از مباحث مهم و نوپیدای دین پژوهی مدرن است که امروزه در حوزه فلسفه دین و کلام جدید اهمیت خاصی پیدا کرده و نظر دین پژوهان و اندیشمندان دینی و حتی غیر دینی را به خود جلب کرده است.

هر کدام از اندیشمندان، از منظرهای مختلف پاسخ‌های متفاوتی به بحث قلمرو دین داده‌اند؛ برخی از موضع دینی به این بحث پرداخته و عده‌ای هم تبیینی سکولاریستی از آن ارائه داده‌اند.

بحث «قلمرو دین» و نیز مبحث «قلمرو شریعت» از بحث‌های زنده و ضروری جامعه بشری است. در آمیختگی «دین و انسان» و تعامل مثبت یا منفی آن دو در طول تاریخ و تداوم این تعامل در آینده انسان، تعیین حدود و ثغور دین در زندگی بشر را به موضوعی جالب و جدی و سرنوشت ساز تبدیل کرده است.

اهمیت تعیین «قلمرو دین» و به خصوص «قلمرو شریعت» تنها در زندگی دنیوی و روزمره انسانی نیست، بلکه دغدغه فکری و روحی بشر نسبت به پس از مرگش نیز ارتباط وثیقی با دین و قلمرو آن و نیز شریعت و محدوده آن دارد. با تحقیق و تفحص در آثار اندیشمندان و صاحب نظران علوم دینی و بررسی آثار و نظرات ایشان می‌توان به تعریفی درست از محدوده دین و حوزه‌های ورود و عدم ورود دین دست یافت.

انسان محکوم به زندگی در دنیا است و زندگی انسانی بدون برنامه و آیین نامه معنا ندارد و اساساً ممکن نیست مدعیان بی دینی و خارج از حیطه ادیان نیز خود برنامه و آیین زندگی دارند که بدان معتقدند و معترف، چنین برنامه‌ای تفکر و اندیشه انسان است که در دراز مدت تبدیل به اعتقاد گشته و سرلوحه زندگانی شده است هر عمل انسانی برخواسته از پندار اوست که بدان معتقد است هر فعلی که انسان مرتکب آن می‌شود از اندیشه و افکار او ناشی می‌گردد و افکار و اندیشه‌های در قالب اعتقادات بالنده می‌شود. هر چند تفکر و اعتقاد راه برنده یکدیگراند بدین معنا که فردی می‌اندیشد تا به سیستم جامع و ساختار منسجمی دست یابد که بدان معتقدات گویند و در ادامه مسیر و در قالب اعتقادات می‌اندیشد.

در مرحله بعد می‌توان ساختار شکن بود و معتقدات خود را رها کرد و ساختار دیگری برگزید و یا داخل سیستم اعتقادی خود اندیشید و آن معتقدات را استحکام بخشید. هر انسانی با هر عقیده و اعتقاداتی خط قرمز و خطوط مشخصی برای دین خود دارد و این خطوط قرمز حدود دخالت دین در حوزه‌های مختلف را مشخص می‌کند.

این که معارف هر دینی تا چه حد و اندازه‌ای در حوزه‌های مختلف دخالت دارد دغدغه بشر بوده است و لذا حد و مرزی که اعتقادات هر انسانی آن را تعیین می‌کند قلمرو ورود و یا عدم ورود دین در حوزه‌های مختلف زندگی بشری را نیز معین می‌کند.

دین مجموعه قوانین نازل از طرف خداست که توسط پیامبر جهت هدایت بشر به او ابلاغ می‌شود و کارکرد آن در چهار حوزه دنیوی و اخروی و فردی و اجتماعی است.

منظور از قلمرو دین همان برداشت لغوی متعارف یعنی دامنه و محدوده و مرزهای مسایل یک چیز است، قلمرو دین بیان کننده محورها و مباحث و مسایل دین است. منظور از تعیین قلمرو دین، کشف قلمرو واقعی دین است نه ترسیم قلمرویی برای آن تا مستلزم تعیین تکلیف برای خدا باشد در تفاوت این بحث چنین می توان نوشت که دین دارای قلمرویی بوده و با نزول دستورالعمل های هدایت از جانب خالق عادل، عالم، قلمرو آن نیز ترسیم می شده است و انسان مکلف به تکالیف دین، کاشف این مرزهاست و قلمروهایی که خالق بر دین ترسیم کرده است را می یابد و حرجی بر چنین فردی نیست که مرزهایی را بر دین الهی تکلیف کند که خداوند داخل چنین مرزهایی دستورالعمل و قانون هدایت نازل بکند.

بحث قلمرو دین از دیرباز مورد توجه انسان بوده است. دینی که برای هدایت انسان نازل شده است چه حوزه هایی را در بر می گیرد.

انسان دین دار مساله اش حدود و مرزهای دین و اعتقادات او بوده و است این سوال که دین من تا چه اندازه در امورات زندگی دخالت ام دارد و تا کجا من را همراهی می کند و رفتار و کردار و گفتار و پندارم تا کجا باید تحت حمایت دین باشد و در چه حوزه ای باید از دین اجازه بگیرم در چه حوزه ای خودم باید اندیشه کنم و

فردی که دارای ساختار منسجم برای فکر و اندیشه اش است سوال به سوال می بارد که چه بخورم و چه بپوشم و کجا بروم چه بکنم و... محتاج نظرات دین در این حوزه هاست.

بررسی مساله قلمرو دین تبیین کننده محدوده ورود قوانین و برنامه های دین است به حوزه هایی که انسان با آنها سر و کار دارد به بیان دیگر دینی که برای سعادت انسان از طرف خداوند نازل شده است در چه حوزه هایی حق ورود دارد و در چه حوزه هایی نمی تواند دخالت داشته باشد. آیا دین فقط برای این دنیای انسان است یا موضوعات دین برای آخرت انسان هم کاربرد دارد؟ و همچنین نیاز انسان به دین در دنیا و آخرت را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

بحث قلمرو دین از بحث‌های دیرینه در کلام اسلامی است و گرچه تا پیش از قرن هجدهم فیلسوفان و اندیشمندان درباره قلمرو دین صریحا و به شکل رسمی سخن نگفته‌اند اما در قرن هجدهم بحث قلمرو دین را شروع کرده و در باره آن نظرات مختلفی ارائه کرده‌اند. پس از واقعه تاریخی رنسانس و مصیبت عظمایی که از طرف ارباب کلیسا بر سر دین آمد دین و دینداری از طرف اندیشمندان غربی و به طبع آن از طرف غرب نشینان کنار نهاده شد و جز معبد و کلیسا آثاری از دین در غرب نشینان نمانده است. قوانین دین - به احکام کلیسا - از جامعه رخت بر بست و عقل معاش بشریت جایگزین قوانین دین شد و این نسبت در غرب زمین می‌تاخت و با پیشرفت‌های صنعتی چشم بشر روشن به تکنولوژی‌های برخواسته از عقل معاش می‌شد و این پیشرفت‌ها را به حساب کنار نهادن دین می‌گذاشتند و بیشتر و بهتر از گذشته به قوانین دینی کلیسا ریش خند می‌زدند.

متاسفانه عقل ناقص بشر به جای تحلیل قوانین ادیان و کارکردهای مختلف دین، شکست قوانین تحریف شده کلیسا را به تمام ادیان حق و باطل، الهی و بشری، تعمیم دادند. هرچند دین تحریف شده مسیحیت و کلیسا چنین اشتباهی را مرتکب شده و کلیسا، دین را به نام ثروت و قدرت مصادره کرده و در راستای اهداف نامشروع خود چندصد سال به کار گرفته بودند ولی متاسفانه این اشتباه را غربیان به نام تمام ادیان زدند و اعمال شرم آور اربابان کلیسا را به پای همه ادیان گذاشتند و دین و حیانی اسلام با تمام قوانین الهی و انسانی اش قربانی این اشتباهات کلیسا اولاً و اشتباهات از غرب نشینان در مرحله بعدی شد.

تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی میل غرب نشینان تقریباً مخالف دین بود و همچنان تمدن نوین بشری بعد از ادیان قربانی می‌گرفت ولی با تلنگر انقلاب اسلامی مردم دیندار ایران، تاریخ یکبار دیگر ورق خورد. انقلابی که به نام دین صورت گرفته بود همچون جرقه‌ای آتش بر خرمن اندیشه‌های ایسمهایی زد که هرروز با نام مبارزه با دین و دینداری همچو قارچ می‌رویدند و هرکدام به نحوی علم مبارزه با دین بر دست داشتند.

پس از انقلاب اسلامی ایرانیان و با آگاهی سردمداران و عالمان تمدن نوین غربی از اثرات این انقلاب در آینده جهان، سیل ترجمه افکار و اندیشه‌های دین بر انداز فیلسوفان غربی در جاده‌ای یک طرفه به سوی مشرق زمین و مخصوصاً ایران سرازیر شد تمامی براهینی که برای براندازی دین تحریف شده کلیسا توسط اندیشمندان ضد دین و یا منتقدان دینداری در غرب طی چند صد سال قبل و بعد از رنسانس نوشته شده بود به یکباره بر علیه دین اسلام مخصوصاً تفکرات شیعی علم شد و پشت به پشت هم تا مانع از شکل گیری حکومتی دینی در دنیا شوند غافل از آن که اراده الهی چیز دیگری است. غرض ورزان و بعضاً جاهلان با عقل ناقص خود توان تحلیلی و مقایسه دین تحریف شده مسیحیت و قوانین سراسر خیر و برکت اسلام را نداشتند و با تعمیم مشکلات گذشته به دین اسلام بر علیه دینداری در عصر حاضر و مخصوصاً حکومت دینی به پاخواستند. هر چند در سرعت ورود این مطالب و نوشته جات و تفکرات ضد دینی نمی توان نقش تکنولوژی را نادیده گرفت.

مباحث قلمرو دین، نیاز بشر به دین، انتظار بشر از دین و مولفه های جدیدی بود که با سیل تفکرات غربی ضد دین وارد ایران شد و لذا عالمان و اندیشمندان اسلامی در مورد این مولفه ها نوشته های منسجمی نداشتند هر چند از لابلای نوشته ها و تفکرات علما سلف می توان به استدلال های و براهین محکمی دست یافت.

هر چند در مورد این موضوع بحث های مفصلی از سوی اندیشمندان اسلامی صورت گرفته است و کتابهایی در این زمینه به رشته تحریر در آورده اند.

این نوشته نیز در صدد تبیین قلمرو دین می باشد تا شاید گامی در تبیین هر چه بشتر و بهتر مباحث کلامی باشد.

در تعیین حدود و صغور دین و مشخص کردن قلمرو برای دین ثمرات بی شماری مترتب است که به طور خلاصه به برخی از این ثمرات اشاره می رود. جلوگیری از تحریف دین و تشخیص دین حق از دین باطل و تعیین تکلیف دین پژوهان و اندیشمندان و عدم ارتباط

مسائل بی ربط به دین و مرزبندی بین حوزه‌های ورود دین و حوزه‌هایی که دین در آنها حق دخالت ندارد از طرف دین داران از فواید و ثمرات تعیین قلمرو دین است.

همچنین با مرز بندی و مشخص شدن قلمرو دین امکان تحریف در دین منتفی خواهد بود زیرا متدینین و دین داران به راحتی موضوعات و مسائل دین را خواهند شناخت و موضوعاتی را که مربوط به دین نیست را از دین کنار خواهند گذاشت. در این صورت تشخیص دین حق از دین باطل هم به راحتی میسر خواهد بود و عالمان دین به راحتی موضوعات و مسائل مرتبط به دین را خواهند شناخت و حوزه‌های ورود دین مشخص خواهد بود.

فصل اول

مفهوم دین

انسانها در طول تاریخ، همواره نسبت به امور دینی کنجکاو بوده‌اند. مطالعات مردم‌شناسی، باستانشناسی و جامعه‌شناسی نشان می‌دهد که تحقیقات گوناگونی در ابعاد و زوایای مختلف دین صورت گرفته است. در قرون اخیر نیز شاهد تحولی بنیادین و گسترده در پاسخ به شبهات دینی در محافل علمی مغرب زمین بوده‌ایم. پژوهشهای اخیر دانشمندان نشان می‌دهد که دین یکی از قدیمی‌ترین باورهای بشر بوده و بشر در هیچ دوره‌ای بدون اعتقاد دینی - در مظاهر و صورتهای مختلف آن - نبوده است.

رابرت ا. هیوم می‌نویسد «در تاریخ بشر هرگز حتی قبیله‌ای وجود نداشته که به گونه‌ای دین نداشته باشد»^۱ ویل دورانت می‌نویسد «کاهن دین را ایجاد نکرده است بلکه همانگونه که مرد سیاسی از تمایلات فطری بشر استفاده می‌کند، وی نیز برای مقاصد خود مورد استفاده قرار داده است. عقیده به دین اختراع معابد نیست بلکه سازنده آن، فطرت انسان است»^۲

مرحوم علامه طباطبایی (ره) می‌نویسد «از نظر فلاسفه الهی و روانشناسان دین باور،

۱. هیوم، رابرت. ا.، ادیان زنده جهان، ترجمه دکتر عبدالرحیم گواهی، ص ۱۷

۲. دورانت، ویل، تاریخ تمدن، احمد آرام، ع پاشایی، امیرحسین آریانپور، ج ۱، ص ۸۳

سرچشمه دین گرایی انسان، عقل و فطرت اوست. زیرا بشر در نخستین مراحل آگاهی خویش از واقعیت خود و اشیای پیرامون خود آگاه می‌شود و رابطه خود را با اشیا و رابطه میان اشیا درک می‌کند و این ادراک اندیشه نیازمندی عمومی واقعیت‌هایی را که شناخته است پدید می‌آورد و از این رهگذر ذهن او متوجه موجودی می‌شود که برآورنده نیاز سایر موجودات است»^۳

قرآن کریم در تشریح آیین یکتاپرستی بر اصل «فطرت» تأکید می‌کند و می‌فرماید: «فاقم وجهک للدين حنیفاً فطرة الله التي فطر الناس علیها لا تبدیل لخلق الله ذلك الدين القيم ولکن اکثر الناس لا یعلمون»^۴ قلب و ذهن خود را متوجه دین و آیین پاک توحیدی بدار. خداوند ذات و فطرت بشر را سرشار از عشق الهی و خداپرستی خلق فرموده است و هیچ دگرگونی در آفرینش الهی وجود ندارد. این دین توحیدی، پایدار و ابدی است اما بیشتر مردم به این حقیقت بزرگ، دانایی ندارند.

ابتدا معنای لغوی و اصطلاحی دین را بیان و برخی دیدگاه‌ها در مورد دین را بررسی می‌کنیم.

از ضروریات هر پژوهشی تعریف اصطلاحات کلیدی به کار رفته در پژوهش است دنیای واژه‌گاه دارای تشابهات و تفاوت‌ها و معانی مختلف و گاهی متضاد است که این امر کار را بر خوانندگان مطالب دشوار می‌کند هر چند در تحقیق مورد نظر واژگان تخصصی زیادی به کار نرفته است و تنها به تبیین و تفسیر واژه دین خواهیم پرداخت. از طرفی خواننده زمانی می‌تواند از مطالب نوشته شده کمال استفاده را ببرد که در ابتدای امر بداند منظور نویسنده از کلمات به کار برده شده در پژوهش چه بوده و چیست ما نیز از این سنت عالمانه و معقول پیروی کرده، ابتدا به تبیین واژه دین می‌پردازیم.

۳. محمد حسین، طباطبایی، المیزان، ج ۸، ص ۳۴۹

۴. سوره روم، آیه ۳۰

تعریف صحیح از کلمات دین و قلمرو، راه را برای پژوهشی منسجم و گفتاری برهانی هموار خواهد کرد.

معنای لغوی دین

دین واژه‌ای است عربی و در فرهنگ لغت عربی در موارد ذیل به کار رفته است^۵ و^۶

۱- جزا و مکافات

۲- حساب و بررسی

۳- اطاعت و انقیاد

۴- ملت و آیین

۵- رویه و عبادت

۶- چیرگی و برتری

۷- تدبیر امور

۸- آنچه وسیله پرستش خداوند است

۹- تسلیم

۱۰- خضوع

این واژه در زبان فارسی به معنای کیش و آیین و مذهب است و به معنای روز بیست و چهارم ماه خورشیدی و نام فرشته‌ای نیز به کار رفته است.^۷

۵. ال مفردات فی غریب القرآن، کلمه دین

۶. مفردات راغب، واژه دین

۷. فرهنگ عمید کلمه دین

واژه دین بیش از ۹۰ بار در قرآن^۸ به کار رفته است و بر معنای جزاء و پاداش، اطاعت و بندگی، شریعت و قانون، ملت، تسلیم و اطاعت دلالت دارد.

این واژه در روایات نیز به معنای ایمان، حب و بغض قلبی، عزت، نور، حیات، اخلاق، و... به کار رفته است.^۹

تعریف اصطلاحی دین

تعریف حقیقی اشیا به جنس و فصل آن است و تعریف به جنس و فصل در مورد مفاهیمی صادق است که ماهیت عینی داشته باشند و با توجه به اینکه دین ماهیت عینی مثل میز و صندلی و انسان و... ندارد نمی توانیم تعریف حقیقی از آن ارائه کنیم هر چند تعریف حقیقی از دین میسر نیست ولی اندیشمندان دین را به مفهوم آن تعریف کرده اند و تعریف به مفهوم یعنی شرح و تبیین مساله و موضوع لذا در تعریف دین گفته می شود «دین امری است اعتباری، مرکب از سلسله موضوعات و قوانین و مقررات ولی تعریف منطقی مبتنی بر جنس و فصل ندارد. به عبارت دیگر تعریف ماهوی از دین میسر نیست ولی تعریف مفهومی آن ممکن است زیرا تعریف ماهوی شیء بیان ماهیات و ذاتیات آن است ولی تعریف موضوعی به مفهوم تبیین و شرح مطلب است به مسایل و موضوعات داخلی آن و لذاست که عالمان هم دین را به مفهوم آن تعریف کرده اند. تعریف اشیا به جنس و فصل یا جنس و رسم یا به حد تام یا حد ناقص، تعریف ماهوی است. اما تعریف دین به این امور امکان پذیر نیست زیرا دین مجموعه قواعد اعتقادی، اخلاقی، فقهی و حقوقی است؛ وحدت حقیقی ندارد و هر آنچه که فاقد وحدت حقیقی است وجود حقیقی ندارد و چیزی که فاقد وجود حقیقی است ماهیت، و فاقد ماهیت جنس و فصل ندارد از این رو تعریف دین به حد تام یا ناقص، امکان پذیر نیست

۸. فاتحه ۳، ذاریات ۶، زمر ۱۱، بقره ۱۹۳، انفال ۳۹، انعام ۱۶۱، آل عمران ۱۹، بقره ۲۵۶

۹. محمدی ری شهری میزان الحکمه، ج ۳، ص ۳۷۰-۳۹۵ و عبد الحسین خسرو پناه گستره شریعت، ص ۲۸

و به عبارت دیگر دین تعریف منطقی مرکب از جنس و فصل ندارد.^{۱۰}

«پس دین را نمی‌توان به جنس و فصل تعریف کرد ولی تعریف مفهومی دین میسر است و این تعریف را از پیام الهی می‌توان انتزاع کرد.»^{۱۱}

از مجموعه آیات و روایات استفاده می‌شود که دین مجموعه‌ای است از معارف، احکام، اخلاق و سایر آموزه‌های توصیفی و توصیه‌هایی که از ناحیه حق تعالی نازل شده است. به همین دلیل متفکران اسلامی در تعریف دین به عقاید و احکام و اخلاق توجه نموده‌اند.^{۱۲}

احصاء دین در سه امر عقاید و اخلاق و احکام، هر چند برخاسته از قوانین دین است ولی پشتوانه عقلی هم دارد عقاید مرزهای دین و براهین و استدلالهای کارکردهای دین است و هر دینداری باید بدانند که پشتوانه و براهین مجموعه قوانینی که بدان ملزم خواهد بود چیست و چه استدلالهایی آن قوانین را تایید می‌کند. تمام مولفه‌های دین در عقاید دین جمع‌اند و بدانها برهان و استدلال برپا می‌شود. احکام باید‌ها و نباید‌های هر دینی است که هر انسانی پس از قبول عقاید دین باید بدانها پایبند باشد احکام دین کارکردهایی است که عمل انسانی را در پی دارد امر و نهی‌هایی است که از طرف شارع وارد شده است و فرد دیندار باید آنها را انجام داده و یا از انجام آنها نهی شده است.

اخلاق نیز در مرحله بعدی قرار دارد فضایل و رذایلی که ناشی از فطرت بشراند و بخشی از وجود هر انسانی را دربر گرفته است که انسان دیندار به دستور دین باید به فطرت خویش مراجعه نموده و بدانها عمل نماید. موضوعات اخلاق در دین مجازات ندارند و اصولاً معیار و میزانی هم برای سنجش آن نیست و البته اثبات و نفی آن هم بسیار سخت است. هر چند تعریف به مفهوم هم با مشکلاتی مواجهه است که در ادامه بدانها خواهیم پرداخت.

۱۰. جوادی آملی، دین‌شناسی، ص ۲۷

۱۱. همان، ۲۷

۱۲. عبدالحسین خسرو پناه، گستره شریعت، ص ۲۸

۱- مشکلات تعریف دین

گذشت که دین قابل تعریف به جنس و فصل نیست و برای تبیین و تعریف دین اندیشمندان به سراغ تعریف مفهومی از دین رفته اند که این نیز با مشکلاتی روبروست. همچنین گذشت که تعریف به مفهوم تبیین و توصیف مساله است و تبیین و شرح هر مساله‌ای با پیش فرض‌ها ذهنی فرد همراه خواهد بود و تعریف مفهومی از هر مساله‌ای بسته به پیش زمینه‌های ذهنی و اعتقادات و برداشت‌ها و مطالعات و اطلاعات فرد می‌تواند متغیر و متفاوت باشد و لذاست که هر اندیشمندی با گرایش‌های خود به تعریف دین پرداخته و تعاریف متفاوتی از دین ارائه داده که تعاریفی متفاوت و مختلف و گاه متضاد است

در نتیجه تعریف اندیشمندان با گرایش‌ها و اعتقادات مختلف، متفاوت است مثلاً تعریف فردی که به وحیانی و الهی بودن دین معتقد است و منشاء دین را الهی می‌داند و قوانین آن را نازل از باری تعالی می‌داند تعریفی که از دین ارائه می‌دهد متفاوت از تعریف فردی خواهد بود که دین را زاییده نیاز بشر می‌داند و آن را محدود در مسایل شخصی می‌شمارد و از ورود دین در حوزه‌های اجتماعی برحذر است. و همچنین تعریف اندیشمندی که قوانین و مقررات دین را بیشتر از آنچه که در حوزه شخصی دخالت دهد در حوزه‌های اجتماعی دخیل می‌داند و آموزه‌های دین را گره گشای مشکلات بشر در اجتماع می‌داند باهم متفاوت خواهد بود

نویسنده کتاب گستره شریعت در این مورد چنین می‌نویسد «فردی که آموزه‌های دین را مخصوص انسان در خلوت می‌داند، از طرف دیگر فردی که حوزه دخالت دین را فقط به امور اخروی محدود می‌داند و آموزه‌های دین را فقط برای آخرت محدود می‌کند، تعریفی که از دین ارائه می‌دهد تعریف دین اخروی است. و قطعاً در تضاد با تعریف فردی خواهد بود که قوانین و آموزه‌های دین را برای امور دنیوی و اخروی می‌داند، خواهد بود و اینجاست که تعریف از دین بسته به دیدگاهها و اطلاعات و پیش زمینه‌های فکری و عقاید و

متفاوت خواهد بود و لذا اگر بخواهیم تعریف جامع و مانعی از دین ارائه نماییم که تمام ادیان تاریخ بشریت را - که از صدها دین و مذهب تجاوز می کند - در بر گیرد به علت کثرت اختلاف در اعتقادات و مناسک کاری دشوار و تا حدودی ممتنع است.^{۱۳}

با همه این مشکلات تعریف دینی با در نظر گرفتن برخی حدود و صغور ممکن خواهد بود عمده مشکل در تعریف مفهومی دین دخالت دادن پیش فرضها و اندوخته های ذهنی اندیشمندان است که این مساله هم با تعیین حد و مرز برای دین قابل حل خواهد بود قابل حل بدین سان که می توان با تعاریف متفاوت دین را از هم جدا کرد مثلاً وقتی فردی قایل به منبع الهی بودن دین باشد و قوانین دین را نازله از طرف خدا بداند این دین در تعریف با دینی که از فردی منبع آن را انسانی یا غیر الهی می داند متفاوت خواهد بود و تعیین منبع برای دین و رعایت این حدود در تعریف دین می تواند تعارف را از هم جدا و مشکلات را تا حدی رفع کرد

و این گونه است تعیین وسیله ارسال برای فردی که این دین توسط چه کسی به انسانها رسیده است وقتی فردی قایل به الهی بودن دین باشد باید شخص یا وسیله ای را برای ارسال این قوانین از طرف خدا به مردم مد نظر داشته باشد و وقتی فردی دینی را زاینده اندیشه بشر بداند نیازی به تعیین این معیار برای دین یعنی رسول برای دین ندارد.

۱-۱ فرق شریعت و دین

دین مفهومی عامتر و گستره ای وسیع تر از شریعت دارد همان طور که در بخش مشکلات تعریف دین گذشت هر اندیشمندی می تواند با توجه به پیش فرض های ذهنی خود تعریفی از دین ارائه دهد جامعه شناس و روان شناس و فیلسوف و.... تعاریف متعدد و مختلفی از دین داشته اند ولی این که کدامیک از این تعاریف درست است بحث دیگری است.

۱۳. خسروپناه، گستره شریعت، ص ۲۶

شریعت راهی است خصوصی و خاص تر ولی دین عامتر از شریعت است. علامه طباطبایی در این مورد می‌فرماید: «کلمه شریعت به معنای طریق است، و اما کلمه دین و کلمه ملت معنای طریقه خاصی است، یعنی طریقه‌ای که انتخاب و اتخاذ شده باشد، لیکن ظاهراً در عرف و اصطلاح قرآن کریم کلمه شریعت در معنایی استعمال می‌شود که خصوصی‌تر از معنای دین است، همچنانکه آیات زیر بر آن دلالت دارد. ان الدین عند الله الاسلام، و من یتبع غیر الاسلام دینا فلن یقبل منه، و هو فی الآخرة من الخاسرین که از این دو آیه به خوبی بر می‌آید هر طریقه و مسلکی در پرستش خدای تعالی دین هست ولی دین مقبول درگاه خدا تنها اسلام است، پس دین از نظر قرآن معنایی عمومی و وسیع دارد، حال اگر آن دو آیه را ضمیمه کنیم به آیه زیر که می‌فرماید: لکل جعلنا منکم شرعة و منهاجا - برای هر یک از شما پیامبران شرعه و منهاجی قرار دادیم، و به آیه ثم جعلناک علی شریعة من الامر فاتبعها، این معنا بدست می‌آید که شریعت عبارت است از طریقه‌ای خاص یعنی طریقه‌ای که برای امتی از امت‌ها و یا پیامبری از پیامبران مبعوث به شریعت تعیین و آماده شده باشد مانند شریعت نوح، و شریعت ابراهیم، و شریعت موسی، و شریعت عیسی، و شریعت محمد (ص)، و اما دین عبارت است از سنت و طریقه الهیه حال خاص به هر پیامبری و یا هر قومی که می‌خواهد باشد، پس کلمه دین معنایی عمومی‌تر از کلمه شریعت دارد، و به همین جهت است که شریعت نسخ می‌پذیرد، ولی دین به معنای عمومی‌اش قابل نسخ نیست.»^{۱۴}

ایشان فرق‌های دیگری بین دین و شریعت قایل شده‌اند از جمله «فرق دیگری نیز بین شریعت و دین هست و آن این است که کلمه دین را می‌توان هم به یک نفر نسبت داد و هم به جماعت، حال هر فردی و هر جماعتی که می‌خواهد باشد ولی کلمه شریعت را نمی‌شود به یک نفر نسبت داد، و مثلاً گفت فلانی فلان شریعت را دارد، مگر آنکه یک نفر آورنده آن شریعت و یا قائم به امر آن باشد، پس می‌شود گفت دین مسلمانان و دین یهودیان و دین

عیسویان و نیز می‌شود گفت شریعت مسلمانان و یهودیان همچنانکه می‌توان گفت دین و شریعت خدا و دین و شریعت محمد و دین زید و عمرو و ... ولی نمی‌توان گفت شریعت زید و عمرو ، و شاید علت آن این باشد که در معنای کلمه شریعت بوئی از یک معنای حدثی هست و آن عبارت است از تمهید طریق و نصب آن ، پس می‌توان گفت شریعت عبارت است از طریقه‌ای که خدا مهیا و آماده کرده و یا طریقه‌ای که برای فلان پیغمبر و یا فلان امت معین شده ، ولی نمی‌توان گفت طریقه‌ای که برای سابق هست ، به اضافه چیزهایی که در آن شرایع نبوده و یا کنایه است از اینکه تمامی شرایع قبل از اسلام و شریعت اسلام حسب لب و واقع دارای حقیقتی واحده‌اند ، هر چند که در امت‌های مختلف به خاطر استعدادهای مختلف آنان اشکال و دستورات مختلفی دارند ، همچنانکه آیه شریفه *ان اقیموا الدین و لا تتفرقوا فیه* نیز بر این معنا اشعار و بلکه دلالت دارد . بنا بر این اگر شریعت‌های خاصه را به دین نسبت می‌دهیم و می‌گوئیم همه این شریعت‌ها دین خدا است ، با اینکه دین یکی است ولی شریعت‌ها یکدیگر را نسخ می‌کنند ، نظیر نسبت دادن احکام جزئی در اسلام ، به اصل دین است ، با اینکه این احکام بعضی ناسخ و بعضی منسوخند با این حال می‌گوئیم فلان حکم از احکام دین اسلام بوده و نسخ شده و یا فلان حکم از احکام دین اسلام است ، بنابراین باید گفت خدای سبحان بندگان خود را جز به یک دین متعبد نکرده ، و آن یک دین عبارت است از تسلیم او شدن چیزی که هست برای رسیدن بندگان به این هدف راههای مختلفی قرار داده ، و سنت‌های متنوعی باب کرده ، چون هر امتی مقدار معینی استعداد داشته و آن سنت‌ها و شریعت‌ها عبارت است از شریعت نوح ، ابراهیم ، موسی ، عیسی و محمد (ص) همچنانکه می‌بینیم چه بسا شده که در شریعت واحده‌ای بعضی از احکام به وسیله بعضی دیگر نسخ شده ، برای اینکه مصلحت حکم منسوخ مدت‌ش سر آمده ، و زمان برای مصلحت حکم ناسخ فرا رسیده ، مانند نسخ شدن حکم حبس ابد در زناى زنان که نسخ شد ، و حکم تازیانه و سنگسار به جای آن آمد ، و مانند مثالهایی دیگر ، دلیل بر این معنا آیه شریفه *و لو شاء*

الله ليجعلکم امة واحدة و لکن لیبلوکم فیما آتاکم ... است که به زودی تفسیرش می آید.^{۱۵} از آن چه گذشت روشن شد که اصطلاح دین عامتر و گستره اش فراتر از شریعت است در بحث حاضر نیز منظور از قلمرو دین، دین اسلام و شریعت محمد(ص) است و این دو اصطلاح در نوشته حاضر به یک معنا می باشد. از طرفی بحث قلمرو دین، تمام ادیانی را که نازله از طرف خالق بشریت است را شامل می شود که حد و مرز این ادیان کجاست و تا چه میزان می تواند دخالت در امورات انسانی داشته باشد ولی قلمرو شریعت محمد(ص) که همان دین اسلام است و مد نظر می باشد.

۱-۲ خلط بین دین و ایمان؛ دین و تدین

برای شفاف شدن هر چه بیشتر اصطلاحات به کار رفته در تحقیق و جلوگیری از خلط مباحث به تعریف هر کدام از اصطلاحات دین و تدین و ایمان می پردازیم. در تعریف دین باید از خلط بین دین و تدین و دین و ایمان اجتناب کرد. در تعریف دین می گوئیم: همان مولفه ها قوانین و دستورالعمل های منسجم نازله از طرف خداست برای هدایت انسان و فرق اساسی با ایمان و تدین دارد.

مولفه و موضوعات دین راهگشای بشر در مسیر زندگی است و اعتقاد راسخ و مستحکم به مولفه های دینی به طوری که انسان از عمق وجود به این مولفه ها پایبند باشد را ایمان گویند. ایمان از سنخ اعتقاد انسانی است و دین مجموعه مولفه های و قوانین است و ممکن است برخی بدان مومن باشند و برخی کافر. برخی دین را به باور و اعتقاد تعریف کرده اند و گفته اند «دین، اعتقاد به هستی های روحانی است»^{۱۶} یا گفته اند «دین نظام یکپارچه ای از باورها

۱۵. همان، ج ۵، ص ۵۷۸

۱۶. ملکم همیلتون، جامعه شناسی دین، ص ۲۱

و عمل کردهای مرتبط به چیزهای مقدس است که از طریق آنها گروهی از آدم‌ها با مسایل غایبی زندگی بشری کلنجار می‌روند»^{۱۷}. برخی نیز گفته‌اند «دین اعتقاد به خدای سرمدی است. یعنی اعتقاد به اینکه حکمت و اراده الهی بر جهان حکم می‌راند؛ خدایی که با بشر دارای مناسبات اخلاقی است.»^{۱۸}

برخی دیگر می‌گویند «جوهر دین، عبارت است از احساس وابستگی مطلق.»^{۱۹} پیداست که در این تعاریف بین دین و ایمان و تدین و دین داری خلط شده است. در حالی که ایمان و تدین با دین فرق دارد «زیرا تدین و ایمان، وصف انسان است. ولی دین حقیقتی پیام گونه است که خداوند انرا در اختیار انسان قرار می‌دهد.»^{۲۰} و لذاست که فرق گذاشتن بین دین و ایمان و ایمان و تدین ضروری است همان طور که در فرمایشات آیت الله جوادی گذشت برخی که از زاویه اعتقاد به دین نگریسته‌اند تعاریفی همچون اعتقاد به هستی‌های روحانی یا باورها و عمل کردهای مرتبط به چیزهای مقدس رائه کرده‌اند هر چند اعتقاد به قوانین و دستورالعمل‌های دین برای گریز از ضلالت و گمراهی‌ها امری ضروری است و ایمان به فرمایشات خالق راه گشا و موجب هدایت انسانی است ولی در مباحث علمی خط و مرزها جداست.

۱-۳ نقش پیش فرضها در تعریف دین

تاثیر پیش فرض‌های انسانی بر تعریف دین از جمله مشکلات تعریف دین است و برای گریز از تاثیر پیش فرض‌هایی چون هستی‌شناسی و جامعه‌شناسی و روان‌شناسی و بر تعریف از دین لازم است که تعریف دین را در مرحله ابتدایی دین پژوهی قرار دهیم و ابتدا

۱۷. همان، ص ۲۱

۱۸. همان، ص ۲۲

۱۹. هیوم، رابرت. ۱. ادیان زنده جهان، ص ۲۲

۲۰. جوادی آملی، دین‌شناسی، ص ۲۶